

ضربات مهلك رادیکال‌های راست به نهاد انتخابات

حمیدرضا جلائی‌پور درباره اتهامات
سهم‌خواهی به جریان اصلاحات توضیح
می‌دهد

برخی تندروها شخصیت‌های سیاسی واقع‌گرا و اخلاقی را به سخره می‌گیرند

گروه سیاسی

«جریان اصلاحات در انتخابات 98 و 1400 نتوانست کنشگری فعال داشته باشد چون ردصلاحیت‌ها و سایر محدودیت‌ها اجازه کنشگری به آنها نداد.» این ماحصل و جانمایه اظهاراتی است که حمیدرضا جلائی‌پور در گفت‌وگو با «اعتماد» به آنها اشاره می‌کند، زمانی که با این پرسش خبرنگار «اعتماد» مواجه می‌شود که «آیا جریان اصلاحات به دلیل سهم‌خواهی قادر به مشارکت فعال در انتخابات 98 و 1400 نشد؟ ابهامی که این روزها برخی افراد و رسانه‌ها ایجاد کرده و رسانه‌های تندروی جناح راست هم به آن تمسک می‌جویند تا با دامنه‌دار کردن آن، پوششی برای تندرویی‌های خود در انتخابات ایجاد کنند.

اما دشمنی طیف‌های تندرو و افراطی و افراد قدرت‌طلب با گفتمان اصلاحات برآمده از واقعیت‌هایی است که در سرنوشت جامعه ایرانی نهفته است. افراد و جریان‌های رادیکال در جناح راست به خوبی میدانند که سرنوشت محتوم این کشور و این مردم، حرکت در مسیر اصلاحات و تحقق گزاره‌هایی چون آزادی، مردمسالاری، رشد تشکلهای مدنی، تنشزدایی، شایسته‌سالاری، تعامل با جهان و... است، بنابراین همه توان خود را به کار می‌گیرند تا گفتمان اصلاحات را خدشه‌دار و بیاعتبار ساخته و مدتی بیشتر در قدرت بمانند. با آغاز هر

انتخاباتي، هفتخواني از مصايب و موانع پيش روي جريان اصلاح‌طلبي قرار داده ميشود تا امکان کنشگري سياسي از مردم و اين جريان سلب شود. اما تندروها تنها به اين موانع اکتفا نکرده و اتهامات بسياري هم به چهره‌هاي اصلاح‌طلب وارد ميسازند. براي آگاهي از کم و كيف بخشي از اين اتهامات گفت‌وگويي با حميدرضا جلايي‌پور برنامهريزي کرديم تا به برخي از اين اتهامات پاسخ داده شود، ضمن اينکه نوري به چرایی عدم کنشگري فعال سياسي اصلاح‌طلبان در انتخابات هم تابانده شود.

موضوع انتخابات و نحوه کنشگري اصلاح‌طلبان در آوردگاه‌هاي اخير به خصوص پس از سال ۸۸ بحث مهمي است، برخي اظهارنظرها مطرح شده که اصلاح‌طلبان به دليل سهم‌خواهي در برخي برهه‌ها از جمله انتخابات ۱۴۰۰ حاضر به ورود فعال نشدن اين گزاره از نظر شما درست است؟

اين سهم‌خواهي دروغ محض است. همه ميدانيم در جريان انتخابات ۱۴۰۰ به خاطر اتفاقات عجيب انتخاباتي، اصلاح‌طلبان به دو بخش تقسيم شدند. يك بخش گفتند، اينها (شوراي نگهبان) حتي به لاريجاني هم رحم نکردند و تمام نامزدهاي اصلي ما مثل جهانگيري را رد صلاحيت کردند. بنا بر اين اين دسته ديگر نتوانستند در انتخابات فعال شوند. بخش دوم هم کساني بودند که خوب ميدانستند ورود «دولت يک‌دست» چه هزينه‌هاي سنگيني براي ايران دارد. لذا اين بخش، حتي با عده و نفرات کم در انتخابات از آقاي همتي دفاع کردند و زمينه کسب ۲ ميليون و ۴۰۰ هزار رای را فراهم کردند. واقعيت آن است که هر دو بخش سهم‌خواهي نداشتند بلکه بيشتر نگران آینده کشور بودند. اين دو سال هم نشان داد که آن نگراني‌ها درست بوده است، چراکه زندگي مردم بدتر شده است.

اما به نظر ميرسد اصلاح‌طلبان از سال ۸۸ به جز انتخابات هيچ کلاسه موضوع ديگري براي خود تعريف نکرده‌اند. در هر دوره با نزديک شدن به انتخابات، اصلاح‌طلبان رخ نمايان کرده و دست به کار ميشوند و بعد از پايان انتخابات و حصول شکست يا پيروزي به درون خويش فرو ميروند تا انتخابات بعدي. موضوعاتي چون گفتمان‌سازي، نقد درون گفتماني و... کمتر مورد توجه جريان اصلاحات قرار دارد. اولاً بفرماييد آيا اين گزاره درست است؟ اگر بله، جريان اصلاحات چگونه ميتواند جدا از انتخابات، نقشي براي خود تعريف کند؟

بينيد در دو دهه گذشته چه اتفاقي افتاده است؟ ما هر قدر جلو آمديم هسته اصلي قدرت از «جمهوريت» جمهوري اسلامي فاصله گرفته به

طرف «امارت» اسلامي حرکت کرده است. آخرین نمونه‌هاي آن، فاجعه انتخابات ۱۴۰۰ بود. اینک در برابر این وضعیت به تدریج در بین اصلاح‌طلبان دو گرایش تحلیلي ایجاد شده است. يك عده مي‌گویند حکومت مشکلات ساختاري دارد، بنا براین در وهله نخست، باید مشکلات ساختاري (حکومت) را حل کرد بعد به دنبال حل مشکلات سياسي و رفتاري مثل تورم، کم‌آبي و... رفت. يك عده ديگر هم مي‌گویند درست است که حکومت مشکلات ساختاري دارد، اما به‌رغم مشکلات ساختاري حکومت، خوب است اول يكسري سياستها براي بهبود وضعیت فعلي دنبال شوند، سپس زمينه براي اصلاحات ساختاري هم پيش مي‌آید.

شما طرفدار کدام يك از این رویکردها هستید؟

من خودم شخصا طرفدار راه دوم هستم. ولي به هر حال بسياري هم طرفدار ایده اول هستند و براي همین اختلافات، اصلاح‌طلبان بین دو انتخابات (۹۸ و ۱۴۰۰) چندان فعال نبودند و بین آنها در اتخاذ راهبردها براي روبه‌رو شدن با انتخابات تفاوت‌هايي مشاهده ميشود.

برخي اما به دنبال سوءاستفاده از این تفاوت‌هاي طبيعي هستند؛ اخيرا مطرح شده که چون همتي در انتخابات رياست‌جمهوري ۱۴۰۰ پيشنهاد اصلاح‌طلبان براي وزير ارشاد شدن محمدرضا جلايي‌پور و حضور ستاري براي سازمان برنامه و بودجه و... را نپذيرفته، جبهه اصلاحات رسما حاضر به حمايت از همتي نشده است، واقعا این‌طور است؟

من در يادداشتي که ديروز در کانالم منتشر شد به دقت درباره این تهمت‌ها توضیح دادم. گفتم این يك حرف سست و دروغی است که زده شده است. من شخصا از ابتدا تا انتهاي کمپين انتخاباتي آقای همتي حضور داشتم. اغلب مطالبی که محمدرضا براي آقای همتي آماده کرد، ایشان در مناظره‌ها به کار بردند. ضمن اینکه کسی (نه محمد و نه فرد دیگری از جنبش اصلاحات) دنبال سِمَت نبود. اساسا اگر کسی که دنبال سمت و پست و مقام باشد، دنبال آقای همتي نمیرود که!!! می‌رود در خانه خالص‌سازان را می‌زند. [خنده] ضمن اینکه الان هم دیگر يك سال در زندان نبود.

شما بفرمایید، نحوه واقعي کنشگري اصلاح‌طلبان در انتخابات ۱۴۰۰ چگونه بود؟ چه رخدادهايي باعث شد اصلاح‌طلبان رسما از نامزد خاصي حمايت نکنند؟

در پاسخ به دومین سوالي که طرح کردید به این ابهامات پاسخ دادم. مشکل کشور که اصلاح‌طلبان و منتقدان انتخابات ۹۸ و ۱۴۰۰ نیستند.

گفتم مشکل کشور آن است که برخی تلاش می‌کنند «جمهوری» اسلامی را سمت «امارت» اسلامی هدایت کنند. بر اثر فعالیت‌های این افراد و جریان‌ها، ضربات مهلکی به نهاد انتخابات، جایگاه مجلس و حاکمیت قانون وارد آمده است. فعلا نشانه و علامت ترمیمی هم به چشم نمی‌آید.

شما اشاره کردید، در بطن جریان اصلاح‌طلبی هم دیدگاه‌های متفاوت و متضادی وجود دارند. در جریان انتخاب رییس جبهه اصلاحات، برخی طیف‌ها درون اصلاحات اشاره می‌کردند مهم است فردی سکان هدایت این جبهه را به دست بگیرد که توانایی ایجاد ارتباط با هسته سخت قدرت را داشته باشد، ضمن اینکه از مطالبات مردم هم دور نباشد. شما روند انتخاب رییس جبهه را چطور ارزیابی می‌کنید؟

ببینید ما در ایران يك مشکلي داریم که در تاریخ معاصر چندین بار تجربه شده است، آن‌هم این است که شخصیت‌های سیاسی واقع‌گرا و اخلاقی ما را افرادی که از موضع «آوانگاردی» حرکت می‌کنند به سخره می‌گیرند. شما در جریان نهضت ملی شدن نفت ببینید چپ‌های پیشرو چقدر خلیل ملکی را اذیت کردند (ملکی در آن زمان جزو نوادر روزگار بود). وقتی این اذیت‌ها (ادامه‌دار) شود شخصیت‌های پخته‌ای که عزت‌نفس دارند، کنار می‌کشند. این‌بار هم در کنار تداوم انحصارطلبی خالص‌گرایان از این نوع اذیت‌ها در جبهه اصلاحات هم وجود داشت و متأسفانه این جبهه نتوانست از ریاست آقای بهزاد نبوی استفاده درستی داشته باشد. به نظر من ایشان هم جزو شخصیت‌های پخته، اخلاقی و مجرب دوره ما است.

در برخی دوره‌ها اما رفتارهای درست انتخاباتی به نفع جامعه و اصلاح‌طلبان تمام شده است. در انتخابات ۱۳۹۲، هماهنگی میان آیت‌الله هاشمی به عنوان لیدر طیف‌های میانه و سید محمد خاتمی رهبر جریان اصلاحات، منجر به توفیق شد. توفیقی که در انتخابات مجلس دهم و خبرگان پنجم هم ادامه داشت و نهایتاً باعث امضای برجام و کسب منافع منافع قابل توجه برای ملت شد. این روند اما پس از فوت آیت‌الله هاشمی دچار خدشه شده. فکر می‌کنید چرا این نوع هماهنگی‌ها در انتخابات ۹۸ و ۱۴۰۰ شکل نگرفتند.

مهم‌ترین علت آن به خاطر برخی برنامه‌ریزی‌هایی بود که انجام شد. علت بعدی هم درست گفتید، وجود شخص هاشمی‌رفسنجانی بود که هم برای جریان میانه و عقلا و هم برای حکومت يك لنگر توازن‌بخش بود. اگر در سال‌های بعد هم چهره‌ای چون هاشمی حضور داشت و مهم‌تر از آن، اگر توصیه‌های آیت‌الله در سال ۸۸ از سوی حکومت جدی تلقی می‌شد، حکومت

اساسا به این روز نمی‌افتاد که مردم در خیزش اعتراضی مهسا آن شعارها و آن مطالبات را مطرح کنند! اتفاقا به نظر من هر اندازه «خالص‌گرایی» بیشتر ادامه پیدا کند، وضعیت بدتر می‌شود.

روزی نیست که رسانه‌های اصولگرا به بحث ریاست آذر منصوری در جبهه اصلاحات ورود نکرده و ننویسند که آذر منصوری از منظر قانونی نمی‌تواند در شمایل ریاست جبهه فعالیت کند، اصلاحات چگونه می‌تواند از این بزنگاه عبور کند؟ اگر تلاش تندروها به نتیجه برسد آیا جریان اصلاحات به پلن B فکر می‌کند؟

تصمیمات جبهه اصلاحات به صورت شورایی و مبتنی بر گفت‌وگو است؛ تصمیم اخیر شورا هم درباره انتخابات به صورت جمعی بوده و تعداد مخالفان و موافقان در تصمیم‌سازی‌ها نزدیک به هم بوده است. بدون تردید در آینده هم دوباره در خصوص موضوعات مختلف بحث و گفت‌وگو خواهد شد. در آینده باید دید چه نامزدهایی (از جریان اصلاحات) تایید می‌شوند و تخمین میزان مشارکت مردم در انتخابات چه مقدار است؟ با داده‌های فعلی می‌توان گفت که وضع اصلا خوب نیست. ضمنا اخباری که راجع به خانم منصوری در رسانه‌های اصولگرا منتشر می‌شود به هیچ‌وجه دقیق نیست. من عکس آن را شنیدم. اتفاقا در گفت‌وگویی که اخیرا اطلاعات سپاه با ایشان داشته، عنوان شده ما (اطلاعات سپاه) مشکلی با سمت خانم منصوری نداریم.

اخباری که راجع به خانم منصوری در رسانه های اصولگرا منتشر می‌شود به هیچ‌وجه دقیق نیست. من عکس آنرا شنیدم. اتفاقا در گفت‌گویی که اخیرا اطلاعات سپاه با ایشان داشته، عنوان شده ما (اطلاعات سپاه) مشکلی با سمت خانم منصوری نداریم.

وجود شخص هاشمی رفسنجانی برای جریان میانه و عقلا و هم برای حکومت یک لنگر توازن‌بخش بود.

در ایران شخصیت‌های سیاسی واقع‌گرا و اخلاقی ما را افرادی که از موضع «آوانگاردی» حرکت می‌کنند به سخره می‌گیرند.

مشکل کشور آن است که برخی تلاش می‌کنند «جمهوری» اسلامی را سمت «امارت» اسلامی هدایت کنند.

شخصا از ابتدا تا انتهای کمپین انتخاباتی آقای همتی حضور داشتم. اغلب مطالبی که محمدرضا برای آقای همتی آماده کرد، ایشان در مناظره‌ها به کار بردند.

اگر کسی که دنبال سمت و پست و مقام باشد، دنبال آقای همتی

نمی‌رود که!!! می‌رود در خانه خالص‌سازان را می‌زنند. [خنده] ضمن اینکه الان هم دیگر یک سال در زندان نبود. در اثر فعالیت‌های تندروها، ضربات مهلکی به نهاد انتخابات، جایگاه مجلس و حاکمیت قانون وارد آمده است. فعلا نشانه و علامت ترمیمی هم به چشم نمی‌آید. در جریان نهضت ملی شدن نفت ببینید چپ‌های پیشرو چقدر خلیل ملکی را اذیت کردند (ملکی در آن زمان جزو نوادر روزگار بود). وقتی این اذیت‌ها (ادامه‌دار) شود شخصیت‌های پخته‌ای که عزت‌نفس دارند، کنار می‌کشند.

□□□□□□ □□□□□□ 25 □□□□□□ 1402 □□□□□□ □□□□□□ □□□□□□